

اهمیت آزادی در شکل‌گیری شخصیت کودک از دیدگاه اسلام

مهسا رفیعی دولت آبادی¹

چکیده

این پژوهش با هدف بنیادین و با رویکرد (توصیفی-تحلیلی) و با استفاده از روش کتابخانه‌ای انجام شده است. در این نوشتار بیان میشود که آزادی، نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری شخصیت کودک داشته است و فراهم کردن محیطی که در آن کودک بتواند آزادانه انتخاب کند و به کاوش بپردازد، موجب تقویت استقلال، نشاط، فرمان برداری صحیح و اعتماد به نفس او شده است و کودکانی که از آزادی عمل بیشتری برخوردار بوده‌اند، توانسته‌اند در مواجهه با مشکلات، راحل‌های نوآورانه بیابند و مهارت‌های حل مسئله خود را ارتقا دهند. البته این آزادی باید همراه با هدایت و نظارت باشد تا از انحرافات اخلاقی و اجتماعی از جمله شرارت، لجاجت و نفاق جلوگیری شود و محدودیت‌های بیش از حد، مانع رشد طبیعی کودک شده و او را به فردی منفعل و وابسته تبدیل کرده است. در مقابل، آزادی مشروط و هدایت‌شده، به کودک این امکان را داده تا مرزهای خود را بشناسد و همچنین، مسئولیت‌پذیری را نیز بیاموزد. این تعامل صحیح بین آزادی و محدودیت، به شکل‌گیری شخصیت متعادل و کارآمد در بزرگسالی منجر شده است.

کلید واژه ها : آزادی، اسلام، تربیت کودک، شخصیت کودک، کودک

¹ دانش آموخته سطح 2، مدرسه علمیه نرجس خاتون دولت آباد اصفهان
www.azza8458@gmail.com

مقدمه

تربیت کودک از جمله وظایف اساسی والدین است که در اسلام به آن تاکید ویژه‌ای شده است. یکی از مباحث مهم در تربیت فرزند، آزادی است که می‌تواند تأثیرات زیادی بر شخصیت و رفتار کودک داشته باشد. آزادی در مفهوم اسلامی نه به معنای بی‌قید و بند بودن؛ بلکه به معنای تعادل و هدایت در چهارچوب‌های اخلاقی و دینی است. با توجه به اینکه آزادی در تربیت کودک و مراحل مختلف رشد آن و شکل‌گیری شخصیت و رفتار اخلاقی اش تأثیر زیادی دارد، محقق ضرورت می‌بیند که اهمیت آزادی را در شکل‌گیری شخصیت کودک از دیدگاه اسلام و با توجه به روایات اهل بیت (علیهم السلام) بررسی کند. سوال اساسی در این نوشتار این است که آزادی دادن به کودک چه اهمیتی در شکل‌گیری شخصیت او دارد؟ در این بخش به بررسی مطالعات و تحقیقات پیشین در مورد آزادی در شخصیت کودک پرداخته می‌شود که مقالات و کتاب‌های زیادی در این مورد نوشته شده است؛ از جمله کتاب تربیت کودک، نوشته استاد علی صفایی حائری که در این کتاب درباره روش‌های تربیتی کودک و عوامل دخیل در تربیت با تاکید بر نقش معلم و آزادی دادن به کودک سخن گفته است و مقاله حقیقت تعلیم و تربیت در اسلام، نوشته محمد تقی مرادی که در مورد استعدادهای خدادادی انسان‌ها و نقش تعلیم و تربیت در شکوفایی استعدادها صحبت کرده است. تفاوت این مقاله با منابع مذکور این است که در این منابع روش‌های تربیتی فرزند بررسی شده است؛ ولی در این مقاله فقط به اهمیت آزادی در شکل‌گیری شخصیت کودک پرداخته شده است.

مفهوم شناسی

آزادی

معنای لغوی: واژه «آزادی» از ریشه‌ی عربی «حرّ» (ح، ر) به معنای رهایی از قید و بند و وابستگی است. در زبان فارسی نیز آزادی به معنای «رهایی از محدودیت‌ها» و «اختیار داشتن برای عمل و تصمیم‌گیری» تعریف می‌شود.¹

معنای اصطلاحی: در اصطلاح، آزادی به معنای برخورداری از حق تصمیم‌گیری آزادانه و اختیار عمل در چارچوب یک نظام اخلاقی و اجتماعی است. در این دیدگاه، آزادی نه به معنای رهایی از هر قید و بندی، بلکه به معنای آزادی در انتخاب‌های عقلانی و متناسب با اصول اخلاقی و شرعی است.²

تربیت کودک

معنای لغوی: واژه «تربیت» از ریشه‌ی عربی «ربّ» (ر، ب) به معنای پرورش، رشد، اصلاح و رسیدن به کمال است. در زبان فارسی نیز «تربیت» به معنای هدایت و پرورش افراد به سوی کمال انسانی است.³ معنی اصطلاحی: در اصطلاح، تربیت به فرآیندی اطلاق می‌شود که طی آن، فرد تحت تأثیر آموزش‌ها، روش‌ها و رفتارهای مربی قرار می‌گیرد تا به رشد و کمال برسد. در زمینه تربیت کودک، این فرآیند شامل آموزش‌های فکری، اخلاقی، جسمی و روحی کودک است تا او به فردی مستقل و متعادل در اجتماع تبدیل شود.⁴

کودک

معنای لغوی: کودک به معنی نوزاد، طفل یا کودکی آمده است. این کلمه به طور کلی برای اشاره به فردی که هنوز به سن بلوغ نرسیده است، به کار می‌رود.⁵

¹ لغت‌نامه دهخدا، جلد 1.

² معجم مفهرس لالفاظ القرآن، ذیل «حرّ»، و تفسیر المیزان، ج 1.

³ لغت‌نامه دهخدا، جلد 3.

⁴ تفسیر نمونه، ج 1، و آراء تربیتی امام علی (ع).

⁵ لغت‌نامه دهخدا، جلد 3، صفحه ۱۵۶۲

معنای اصطلاحی: در اصطلاح کودک به معنای فردی است که به سن بلوغ نرسیده است و به طور معمول در فرهنگ‌ها و مکاتب مختلف به دوران خاصی از زندگی انسان اشاره دارد. در این بخش، (کودک) بیشتر به فردی اطلاق می‌شود که از نظر فیزیکی و روانی در مرحله رشد و تکامل قرار دارد.¹

1- آزادی و نقش آن در تربیت کودک

در ۶ سالگی است که خود معنوی کودک رشد می‌کند و پرسش‌هایی درباره‌ی خدا، مرگ و... را در نزد والدین خود مطرح می‌کند. مراتب خود آگاهی متناسب با میزان آزادی در کودکان تحقق می‌یابد. از این رو، آزادی باعث رشد و ظهور شخصیت منحصر به فرد کودک می‌گردد. چون افراد متنوع هستند و همه را در یک قالب ریختن به معنای نابود کردن شخصیت آنهاست؛ ولی همچنان درست است که گفته شود باید آزادی باشد تا افراد فرصت داشته باشند؛ متنوع شوند و استعدادهای خود را بروز دهند.² امروزه مشاهدات و آزمایش‌های روانشناسان نیز نشان داده است که آدمی فطرتاً طالب آزادی است و هر آنچه آزادی را محدود کند، موجب درد و رنج اوست. چنانچه واتسن آمریکایی، پیشوای مکتب کردار گرایی، با تجربه‌های دقیق خود نشان داده است که یکی از چیزهای معدودی که باعث درد و رنج و وحشت کودک می‌شود؛ آن است که از جنبش آزاد دست و پای او جلوگیری کند.³

علاوه بر این، آزادی باعث شناخت کودک توسط والدین و مربی می‌شود. با مشاهده اعمال و رفتار کودک در شرایط آزاد، او را می‌توان بهتر شناخت؛ اما در مقابل آزادی محدودیت و انتظارات والدین از کودک مانع شناخت کودک می‌شود. والدین نیز در خانه، به خوبی امکان شناخت فرزندان خویش را دارند. بسیاری از آنان می‌توانند زمان قابل ملاحظه‌ای را صرف فرزندان خود کنند و در تجربیات هر یک از آنان سهیم باشند. علت این امر شاید انتظاراتی باشد که والدین از فرزندان خود دارند و همین موضوع، شناخت کودکان را آن طور که باید برای آنها امکان پذیر نمی‌سازد. برنامه تربیتی و نحوه انتظارات والدین از کودک، متناسب با نوع خاصی از کودک است که آنها می‌خواهند تربیت کنند؛ به همین دلیل غالب آنها نمی‌توانستند کودک ایده‌آلی را در ذهن خود داشته باشند که با کودک خود در واقع باعث ناامیدی آنها شده بود، آشتی دهند. آنچه آنها

¹ طبابایی، تفسیر المیزان، جلد ۴، صفحه ۳۷۵

² صناعی، محمود، آزادی و تربیت، ص 13

³ همان.

راجع به فرزندان خود می‌دانستند؛ آن بود که کودک، انتظارات آنها را برآورده نمی‌سازد و نتیجه گرفتند که فرزندان حتماً عیب و ایرادی دارد.¹ در مقابل تأثیرات مثبت آزادی، نبود آن، تأثیرات منفی به جای می‌گذارد به طوری که سرکوبی امیال کودک موجب عدم اعتماد به نفس کاهش عزت نفس و همچنین موجب عقده در کودکان و در نهایت طغیان امیال و نابودی استعدادها می‌شوند کودک به کمک آزادی احساسات است که خود را ابراز می‌کند و از خودش بیرون می‌آید و با دیگران ارتباط برقرار می‌کند خود آگاهی (خدا آگاهی) و در نتیجه اعتماد به نفس نتیجه و تأثیر مهم آزادی بر روی کودک است.

1-1- آزادی نیاز اولیه ی هر انسان

یکی از اصلی ترین نعمت های خداوند به آدمی و مهم ترین نیازهای او آزادی است. چیزی که تمامی ادیان و مکاتب به آن اقرار کرده اند. تا آنجا که برخی مکاتب غربی تلاش می کنند تا انسان را از آزادی که دارد، آزاد تر نشان دهند؛ لذا باید بدانیم که کودک ما از این امر مستثنی نیست. او انسان است، نفس می‌کشد، اراده و اختیار دارد. و البته نیاز به آزادی هم دارد.

مقصود ما از آزادی، آزاد گذاشتن کودک با در نظر گرفتن خط قرمزهاست. تربیت کودک؛ یعنی شکوفا کردن استعدادها و برآوردن نیازهای او و نیازهای کودک فقط خوراك و پوشاك و محبت و ... نیست و استعدادهای او خواندن و نوشتن و انباشتن حافظه نیست.

او استعداد نتیجه‌گیری، فکر و اندازه‌گیری و سنجش، عقل، انتخاب و اراده و وجدان هم دارد و لذا نیاز به امنیت و یقین و اعتراف هم دارد. کودک هم مغز دارد و هم قلب، از این رو، هم روشنفکری می‌خواهد و هم روشندلی.²

۱-۲- هدف آزادی در تربیت دوره ی کودکی

این سوال مطرح می‌شود که هدف تعلیم و تربیت آزاد در دوره ی کودکی چیست؟ و بر اساس این پژوهش، هدف آزادی در تعلیم و تربیت تحقق احساسات و هیجانات درونی کودک است. به عبارت دیگر؛ در تعلیم و تربیت، کودک آزاد باید بتواند به آسانی احساسات و هیجانات خود را ابراز کند یا ظهور بخشد. کودک باید اجازه دیدن، پرتاب کردن، بالا پریدن، رفتن، پا زدن یا رکاب زدن، فشار دادن و کشیدن، تحمل وزن فرد، چکش زدن و کوبیدن، ساختن، شنا کردن و... به روش صحیح و رعایت قواعد عدم آسیب پذیری داده شود. بعضی آزادی کامل را برای کودک تا هفت

¹ لاندترث، کاترین، آموزش و یادگیری در دوران پیش از دبستان، ص 184-185

² صفایی حائری، علی، تربیت کودک، ص 37

دلش می‌خواهد، با کتاب بازی کند؛ حتی با پاره کردن آن بچه‌ها از موسیقی و آهنگ جمع شدن یا پاره شدن کاغذ، به شدت لذت می‌برند؛ اما اگر بازی با کتاب برای کودک با خشونت و تندى والدین همراه باشد آرام آرام، علاقه او به کتاب از بین می‌رود؛ زیرا کتاب و خشونت در ذهن او همراه هم می‌شود و وقتی نام کتاب می‌آید، یاد خشونت در ذهن او زنده می‌شود. در این جاست که تنفر از خشونت او را از کتاب هم دور می‌کند.

گاهی آزاد نگذاشتن کودک منجر به بی‌علاقگی او به نیازهای طبیعی اش می‌شود. سوء تغذیه یکی از مشکلاتی است که تعداد قابل توجهی از کودکان به آن مبتلا هستند. یکی از دلایل سوء تغذیه نداشتن تجربه‌های خوب سر سفره یا میز غذاست. بچه‌ها دوست دارند با غذایی که بناست آن را بخورند بازی کنند. از نگاه کودکان، غذا خوردنی خوب است که با بازی همراه باشد؛ اما برخی از پدران و مادران ما نه تنها اجازه بازی با غذا را به فرزندان نمی‌دهند، بلکه به شدت مراقب هستند که حتی ذره‌ای از غذا روی لباس کودک نریزد، خودشان به او غذا می‌دهند برای او پیش بند می‌گذارند. وقتی هم که کمی غذا روی لباسش ریخت خیلی زود با حالتی شبیه به عصبانیت آن را پاک می‌کنند، تا دستش را به سمت غذا می‌برد، آن را پس می‌زنند و...

آن منع از بازی و این مراقبت شدید، لذت غذا خوردن را از کودک می‌گیرد. او ترجیح می‌دهد که غذا نخورد تا این قدر هم امرو نهی و دعوا نشود.

بچه‌ها، فطرت سالم و دست نخورده‌ای دارند. از همین رو، به امور دینی گرایش دارند؛ اما نباید گرایش‌های دینی، موجب محدود شدن آزادی کودک شود؛ چرا که در این صورت این گرایش‌های دینی خواهند بود که در درون کودک کم‌سو می‌شوند. شاید از همین روست که طبق روایات تمرین دادن کودک به نماز باید از هفت سالگی به بعد باشد. برخی از والدین کودکان خود را پیش از هفت سال وادار به نماز خواندن می‌کنند و علاوه بر این، اگر آنها در نماز بازیگوشی کنند تذکر می‌دهند و حتی برخوردهای تندى هم با آنها می‌کنند.¹

در این باره امام باقر فرمودند:

«ما کودکانمان را از پنج سالگی به نماز خواندن دستور می‌دهیم؛ اما شما کودکانتان را از هفت سالگی به نماز امر کنید»²

¹ همان، صص 62-65

² الکافی، ج ۳، ص ۴۰۹

۳-۶- پرورش نفاق و تظاهر در کودک

اگر پدر و مادر به دلیل خستگی و رنجی که از آزادی بچه ها می برند، آن ها را زیاد محدود کنند یا برای خودشان در تربیت فرزند حرمت قائل نباشند و فرقی بین گستاخی و شهادت نگذارند، آثار سوء در فرزند هویدا می شود. شهادت یعنی اینکه وقتی بچه بدی کرد عواقب آن کار را بپذیرد و قبول کند که چنین کاری را کرده است و پایش هم بایستد گستاخی و بی پروایی و بی لجامی، یعنی اینکه فرد وقتی بدی کند عواقب آن را نپذیرد و برادامه کار ایستادگی کند. پس چه گستاخی و چه شهادت هر دو اعتراف به فعل است؛ اما شهادت اعتراف به عنوان مقدمه ای برای تدارک و اصلاح است، ولی گستاخی اعتراف برای تداوم آن حرکت زشت در آینده است. طبیعی است که برای پدر و مادریا هر مربی دیگری تحمل کردنی نیست که فعل زشتی از طفل استمرار پیدا کند. از این جهت وقتی طفل اقرار کند که این کار از او سرزده است به خیال اینکه می خواهد بار دیگر هم آن کار را انجام دهد، نمی توانند تحمل کنند؛ در نتیجه طفل مخفی کاری میکند؛ یعنی اگر بپرسند، می گوید نه! و دروغ می گوید و دروغ گویی مستمر برایش به صورت عادت در می آید. پس همیشه گریم کرده جلوی والدین می آید و با چهره اصلی در حضور آنها ظاهر نمی شود. آنچه ظاهر هست، در حضور خودش است و با تمام وجود جلوی پدر و مادر حاضر نمی شود. درونش نوعی و ظاهرش هم نوع دیگری می شود.¹

¹ حائری شیرازی، محی الدین، تربیت دینی کودک، ص 192

نتیجه گیری

مقاله حاضر با عنوان اهمیت آزادی در شکل گیری شخصیت کودک بر مبنای آموزه های اسلامی به آن پرداخته شد. اهمیت این موضوع از آن جهت است که یکی از اصول بنیادین در شکل گیری شخصیت سالم و مستقل در کودکان، فراهم آوردن فضای مناسب برای تجربه آزادی، انتخاب و مسئولیت پذیری است. تربیت اسلامی با تکیه بر تعادل میان هدایت و آزادی، امکان شکوفایی استعداد های کودک را در بستر ایمان، اخلاق و آگاهی فراهم می آورد.

آنچه ضرورت پیدا کرد تا به این موضوع بپردازیم، وجود کم کاری در مباحث علمی و نوشتاری در این موضوع، با توجه به اهمیت بسیار بالای این موضوع در تعیین شخصیت کودک بود. فرضیه تحقیق بر این پایه استوار بود که «اسلام با به رسمیت شناختن آزادی در چارچوب ارزش های دینی، زمینه تربیت کودکانی مسئول، خلاق و متعهد را فراهم می کند.»

نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که آموزه های اسلامی نه تنها آزادی را نفی نمی کنند، بلکه آن را به عنوان یک عنصر کلیدی در فرآیند تربیت دینی و اخلاقی کودک مورد توجه قرار داده اند. آزادی در انتخاب، آزادی در بیان، و حتی آزادی در تجربه خطا، همه از جمله مصادیقی هستند که با هدایت مربیانه والدین و مربیان، نقش بسزایی در پرورش شخصیت متعادل کودک دارند.

منابع

کتب فارسی

- 1- بهشتی، محمد، **نقش آزادی در تربیت کودکان**، تهران، انتشارات روزنه، چاپ دوم، 1392
- 2- حائری شیرازی، محی الدین، **تربیت دینی کودک**، قم، دفتر نشر معارف_ وابسته به نهاد رهبری، چاپ هفتم، ۱۳۹۹
- 3- دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه**، تهران، انتشارات روزنه، بی جا، 1373
- 4- صفایی حائری، علی، **تربیت کودک**، قم، انتشارات لیلۀ القدر، چاپ اول، 1386
- 5- صناعی، محمود، **آزادی و تربیت**، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم، 1346
- 6- عباسی ولدی، محسن، **پرنده های در قفس و کودکی های نارس**، قم، آیین فطرت، چاپ بیستم، 1403
- 7- لاندث، کاترین، **آموزش و یادگیری در دوران پیش از دبستان**، (قلی بوالحسنی) تهران، انتشارات آتی، چاپ دوم، 1378
- 8- مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، ج1، تهران، دارالکتب اسلامی، بی جا، 1374

کتب عربی

- 9- ابن بابویه، محمدعلی، **من لایحضره الفقیه**، قم، موسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۳
- 10- طبرسی، حسن ابن فضل، **مکارم الاخلاق**، قم، الشریف الرضی، چاپ چهارم، ۱۳۷۰
- 11- عبد الباقي، محمد فؤاد، **معجم مفهرس لالفاظ القرآن**، قم، سهروردی، چاپ دهم، ۱۳۹۳
- ۱۲- مشکینی اردبیلی، علی، **المواعظ العدیدیه**، قم، طلیعه النور، بی جا، ۱۳۸۴
- ۱۳- طبابایی، محمدحسین، **تفسیر المیزان**، (ترجمه محمدباقر موسوی) جلد ۴، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم_ دفتر انتشارات اسلامی، بی جا، ۱۴۷۸

مقالات و نشریات

- ۱۴- خمینی، روح الله، **مجله دیدار آشنا**، مهر و آبان ۱۳۷۷، شماره ۷

پایان نامه

۱۵- عسکری، فهیمه، **فلسفه آزادی در تربیت دوره کودکی (هفت سال اول) از منظر اسلام**، مسعود اخلاقی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه باهنر، کرمان، کارشناسی ارشد، 1395، نسخه دیجیتالی